



پیامدهای همکاری دفاعی - امنیتی ایران و روسیه در بحران اوکراین (۲۰۲۲)

ایوب نیکونهاد^۱ | سیدرضی عمادی^۲ محسن بیوک^۳

چکیده

محدودیت‌های هنجاری و ساختاری نظام بین‌الملل و سیاست‌های بلوک غرب در طی چهار دهه گذشته علیه ایران، سبب شده تا جمهوری اسلامی ایران در حوزه سیاست‌های دفاعی - امنیتی خود همانند سیاست خارجی به سمت وسوی «شرق‌گرایی» تمایل پیدا کند. پژوهش پیش‌رو به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که همکاری‌های دفاعی - امنیتی ایران و روسیه در بحران اوکراین چه پیامدهایی می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران به دنبال داشته باشد؟ روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است و گردآوری داده‌ها از طریق پیمایش محیطی و مراجعه به مقالات، کتب، گزارش‌ها و یادداشت‌های مرتبط با موضوع بوده که توسط پژوهشگران دسته‌بندی و سپس تحلیل شده است. همکاری‌های دفاعی - امنیتی ایران و روسیه دارای دو وجه تأثیرات مثبت و منفی برای جمهوری اسلامی ایران است. از جمله وجوه مثبت این همکاری‌ها می‌توان به تلاش برای همکاری‌های اقتصادی مشترک در جهت جلوگیری از انزوای جهانی بیشتر، تعامل و هماهنگی در فرایند انتقال قدرت از غرب جغرافیایی به شرق، ارتقای توان تسلیحاتی ایران، ارتقای سطح بازدارندگی اشاره کرد. در بعد اثرگذاری منفی هم می‌توان به تعمیق شکاف درونی در ملت و حاکمیت با توجه به بدبینی تاریخی به عملکرد روس‌ها، تشدید تحریم‌ها، امنیتی‌سازی همکاری‌های نظامی و تشدید تصویرسازی امنیتی از ایران به‌عنوان کشوری که نقش مخرب در پیشبرد صلح و امنیت بین‌المللی دارد اشاره کرد.

واژگان کلیدی: واقع‌گرایی ساختاری، همکاری‌های دفاعی - امنیتی، ایران، روسیه، بحران اوکراین

DOI: 10.27834/CSIW.2403.1375.3.34.4

^۱ استادیار دانشگاه پدافند هوایی خاتم الانبیا ارتش، تهران، ایران anikunahad@gmail.com

^۲ دکتری روابط بین‌الملل و مدرس دانشگاه علوم و فنون شهید ستاری ارتش sededraziemadi@gmail.com

^۳ دکتری تخصصی جغرافیای سیاسی و استادیار دانشگاه پدافند هوایی خاتم الانبیا (ص) ارتش mohsen.b.t89@gmail.com



شماره ۳ (۳۴)

سال ۱۱
پاییز ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۱۲/۱۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۷/۲۶

صص: ۶۵-۹۲



مقدمه

گرچه مسئله همکاری واحدهای سیاسی در ابعاد مختلف از منظر نظریه‌ها و رویکردهای علم روابط بین‌الملل، یک مسئله رایج و پذیرفته شده است؛ اما به علت وجود اصلی بی‌اعتمادی و بدبینی دیگر واحدهای سیاسی به همکاری‌ها، به‌خصوص زمانی که این همکاری‌ها در بعد دفاعی - امنیتی باشد معمای امنیت بین این واحدها بالاتر رفته و دیگر واحدهای سیاسی نسبت به آن حساسیت بیشتری خواهند داشت. دو کشور ایران و روسیه نیز همانند همه واحدهای سیاسی رسمی در طول تاریخ دیرینه خود در دوران معاصر همکاری‌های دفاعی - امنیتی با یک‌دیگر داشته‌اند و با وجود همه فراز و نشیب‌های روابط دو کشور ایران و روسیه، همکاری‌های دفاعی - امنیتی و حتی تضادهای دو کشور در این بخش یک مسئله تاریخی است و نمی‌توان آن را یک مسئله نوظهور قلمداد کرد. روابط دو کشور از سال ۲۰۱۱ به بعد بیش از هر زمان دیگری به سمت همکاری‌های دفاعی - امنیتی سوق پیدا کرده است. همکاری ایران و روسیه در حوزه سوریه و مبارزه با تروریسم از جمله این همکاری‌های دفاعی است که علاوه بر شکل دهی به رقابت منطقه‌ای (رقابت میان ایران، عربستان و ترکیه) و فرامنطقه‌ای (رقابت میان روسیه و آمریکا و همچنین رقابت میان ایران و آمریکا) به حفظ الگوی ثبات نظم مستقر در منطقه خاورمیانه منجر شده و مانع از تفوق و چیرگی نظم مد نظر غربی - عربی آمریکایی در این منطقه گردیده است. این مسئله به این معنا نیست که اهداف منطقه‌ای و جهانی ایران و روسیه کاملاً بر هم منطبق است، بلکه در حوزه‌هایی تداخل منافع و اهداف وجود دارد و در برهه‌هایی در عمل دو کشور روابطی مقطعی و به عبارتی ناپایدار را نیز تجربه کرده‌اند که شاهد مثال آن صدور قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل متحد و خودداری کردن روسیه از فروش برخی سلاح‌های مورد نیاز ایران است. به دلیل شرایط و مختصات خاص دو کشور که ناشی از محدودیت‌های تحمیلی نظام بین‌الملل بر آن‌هاست پس از وقوع جنگ اوکراین، روابط دفاعی - امنیتی دو کشور وارد فاز تازه‌ای شده است و با توجه به بهره‌گیری روس‌ها از سلاح‌های ایرانی در عرصه‌های میدانی این جنگ، زمینه برای تشدید فشار سیاسی بر جمهوری اسلامی ایران فراهم شده است. پژوهش پیش‌رو با بهره‌گیری از نظریه واقع‌گرایی ساختاری به دنبال پاسخ به این پرسش است که همکاری‌های دفاعی - امنیتی ایران و روسیه در حوزه بحران اوکراین که غرب مدعی آن است چه پیامدهای مثبت و منفی برای امنیت ملی

جمهوری اسلامی ایران در پی خواهد داشت؟ روش پژوهش توصیفی - تحلیلی است و گردآوری داده‌ها از طریق مراجعه به مقالات، کتب، گزارش‌ها و یادداشت‌های مرتبط با موضوع انجام شده که توسط پژوهشگران دسته‌بندی و سپس هریک از آن‌ها تحلیل شده است.

۱- پیشینه پژوهش

طبق بررسی‌های به عمل آمده پژوهش‌های هم‌راستا با این پژوهش را می‌توان در دو بخش دسته‌بندی کرد: دسته اول پژوهش‌هایی است که به بررسی روابط ایران و روسیه به طور عام پرداخته‌اند از جمله آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد: ملکی (۱۳۷۹) در مقاله پژوهشی «سیر تحول روابط ایران و روسیه» با گذری تاریخی بر روابط ایران و روسیه از جنگ‌های ایران و روس تا سال ۲۰۰۰ میلادی پرداخته و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را نقطه تحول استراتژیکی روابط بین دو کشور می‌داند. وی بر این باور است که رفتار روس‌ها در طول تاریخ در خصوص ایران متناقض، چندبُعدی و همراه با آمیزه‌ای از دخالت در عرصه سیاست، حضور نظامی و اشغال بوده و در مقابل رفتار ایران ترکیبی از مقابله، احتیاط، کم‌اهمیت جلوه دادن مسئله و یا تأکید بر بعد حقوقی مسئله بوده است. کولایی و عابدی (۱۳۹۶) در مقاله پژوهشی تحت عنوان «فراز و فرود روابط ایران و روسیه ۲۰۱۶-۱۹۹۰» بر این باورند که واقعیت‌های تاریخی در روابط دو کشور بیانگر وجود یک رابطه پیچیده همراه با فراز و فرودهای بسیار و وابسته به عوامل و مؤلفه‌های گوناگون دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی بوده و میراث‌دار رخدادهای دشمنی آلود ایران و روسیه از قرن ۱۹ تاکنون است که همچنان سایه تردید و بدبینی را بر این رابطه گسترانده است. اسعدی و منوری (۱۴۰۰) در مقاله پژوهشی «بررسی روابط ایران و روسیه در قرن جدید: اتحاد استراتژیک یا همگرایی منافع» با ارائه تعاریفی که از متغیرهای پژوهش ارائه داده‌اند بر این باورند که روابط دو کشور ویژگی‌های اتحاد استراتژیک (شکل‌گیری در برابر یک تهدید مشترک، خاص و بلندمدت در برابر سایر دولت‌ها) را نداشته و صرفاً واکنشی به شرایط بین‌المللی در موضوعات خاص است و می‌توان آن را نوعی همسویی منافع، محدود و موقتی به شمار آورد.

دسته دوم پژوهش‌ها، دربرگیرنده پژوهش‌هایی است که به صورت تخصصی به همکاری‌های دفاعی - نظامی ایران و روسیه پرداخته است. پسندیده (۱۳۹۳) در مقاله پژوهشی «همکاری‌های

پیامدهای همکاری دفاعی - امنیتی ایران و روسیه در بحران اوکراین (۲۰۲۲)

امنیتی ایران و روسیه: زمینه‌ها و چشم‌اندازها» بر این باور است که بر اساس وضعیت جغرافیایی و منافع ملی دو کشور، یکی از زمینه‌های مناسب برای توسعه همکاری‌های میان ایران و روسیه، تعاملات در زمینه تأمین نیازهای امنیتی است و این راهبرد تأمین‌کننده ثبات و امنیت منطقه و منافع امنیتی دو کشور است. موسوی (۱۳۹۷) در مقاله پژوهشی تحت عنوان «روابط نظامی ایران و روسیه»، به بررسی سیر روابط نظامی ایران و روسیه از ۱۳۵۷ تا ۱۳۹۷ ه.ش تحت عنوان چهار دوره تاریخی، سوءظن، تقابل و همکاری و ژاندارمی منطقه مورد بررسی قرار داده و بر این باور است که در مقاطعی این روابط بر اساس ملاحظات عمل‌گرایانه در حوزه‌های مختلف گسترش یافته است. خسرو و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله پژوهشی تحت عنوان «تأثیر همکاری‌های دفاعی ایران و روسیه بر راهبرد ژئوپلیتیک انرژی ایرانی (با محوریت نفت و گاز)» پرداخته و به این نتیجه رسیده است که همکاری‌های نظامی ایران و روسیه به صورت غیرمستقیم راهبرد ژئوپلیتیکی ایران را برای صدور انرژی به اروپا و شرق آسیا را تحت تأثیر خود قرار داده و کشورهای غربی با ارائه هر طرح سرمایه‌گذارانه‌ای که به صادرات نفت و گاز کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از مسیر بازارهای جهانی ختم شود مخالفت می‌کنند. صالحی و سجادی (۱۴۰۱) در مقاله پژوهشی تحت عنوان «مواضع و راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در بحران اوکراین (۲۴ فوریه ۲۰۲۲)» بر این باورند که مواضع ایران در خصوص بحران اخیر اوکراین یک موضع محتاطانه بوده و ایران سعی داشته است که در خصوص دو کشور یک موضع‌گیری عقلانی و مبتنی بر منافع ملی اتخاذ نماید. وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های یادشده در این است که این پژوهش به بررسی پیامدهای همکاری‌های دفاعی - امنیتی ایران و روسیه در بحران اوکراین در چارچوب نظریه واقع‌گرایی ساختاری پرداخته است.

۲- چارچوب نظری

۲-۱- واقع‌گرایی ساختاری

در سال ۱۹۷۹ «کنت والتز»^۱ نظریه پرداز مشهور واقع گرا با نگارش کتاب «نظریه سیاست بین الملل»^۲، نظریه نواقح گرای^۳ یا واقع گرایی ساختاری^۴ را عرضه کرد. نواقح گرایی اگرچه مفروضات اصلی واقع گرایی از جمله نقش قدرت‌ها، آنارشی در نظام بین الملل، خودیاری و موازنه قدرت را پذیرفته، اما تغییراتی اساسی در این نظریه ایجاد کرده که مهم ترین آن در نظر گرفتن سطح تحلیل ساختار نظام بین الملل است؛ بنابراین اولین و مهم ترین محور نظریه والتز، ساختار، مفهوم آن و ویژگی های آن است. والتز سطح تحلیل خود را سیستم قرار می دهد و نه واحدها؛ یعنی برای تحلیل تحولات سیاسی در صحنه بین المللی بر نقش تعیین کننده ساختار بین المللی تأکید می کند. ساختار نظام بین الملل مهم ترین عامل تعیین کننده رفتار بازیگران است. این ساختارها هستند که در درون سیستم بر عمل واحدها اثر گذاشته و رفتار آن ها را شکل می دهند (Mohammadkhani, 2008: 88-90). از همین روی، نظریه والتز را می توان به بهترین وجه، نظریه ساختاری روابط بین الملل دانست.

التز معتقد است که باید تعریفی از ساختار به دست داد که از ویژگی ها و تعاملات واحدها (دولت ها) جدا باشد و این جدایی بدین معنی است که در تعریف ساختار مدنظر باید از مسائل مربوط به انواع رهبران سیاسی، نهادهای اجتماعی و اقتصادی و تعهدات ایدئولوژیک که دولت ها ممکن است داشته باشند، چشم پوشی کرد (Fathi, 2019: 257). آنچه برای والتز اهمیت دارد و در واقع بنیان نظریه او محسوب می شود، این است که چرا دولت ها با وجود تفاوت هایی که از نظر سیاسی و ایدئولوژیک در نظام بین الملل دارند، اما رفتار مشابهی در سیاست خارجی به نمایش می گذارند؟ از نظر او این شباهت را نمی توان بر اساس ویژگی های واحدها توضیح داد و لازم است به یک برداشت سیستمی از نظام بین الملل تکیه کرد (Moshirzadeh, 2011: 111-112). واقع گرایی ساختاری بر این امر تأکید دارد که واحدها و اجزای سیستم بین الملل تابع قید و بندها و مکانیسم های تعیین کننده ساختار سیستم بین المللی هستند. والتز بارها به این نکته اشاره می کند که واحدها تأثیر چندانی بر سیستم ندارند و برعکس این ساختارهای سیستم هستند که حرکت و رفتار

¹ Kenneth Waltz

² Theory of International Politics

³ Neo Realism

⁴ Structural Realism

پیامدهای همکاری دفاعی - امنیتی ایران و روسیه در بحران اوکراین (۲۰۲۲)

دولت‌ها را شکل می‌دهند و یکسان می‌سازند و رفتار واحدها در سیستم بین‌الملل یکسان است (Ahmadi, 1998: 126-130). کنت والتز معتقد است ساختار که خود محصول تعامل واحدها است بعد از شکل گرفتن، رفتار واحدها را تحت تأثیر قرار داده و آن را تحدید و تعیین می‌کند. به محض استقرار نظام بین‌المللی، واحدهای کشوری قدرت مهار روندهای آن را ندارند. ساختار شرایط محدودکننده رفتار است یعنی در رفتار دولت‌ها محدودیت به وجود می‌آورد. ساختار مستقل از خصوصیات واحدها و تعاملات میان آن‌ها، رفتار آن‌ها را تعیین می‌کند. ساختار قابل مشاهده نیست. به‌طور کلی، از دید والتز ساختار بین‌المللی سه ویژگی مهم دارد: اصل نظم‌دهنده سیستم بین‌المللی (آنارشی)، تعیین کارکرد واحدها یا اجزاء، توزیع توانمندی‌های واحدها در سیستم بین‌المللی (Ghasemi, 2013: 90-94).

از منظر واقع‌گرایان آنارشی بودن محیط بین‌المللی به این معناست که برخلاف محیط داخلی دولت‌ها بر نظام بین‌الملل نوعی هرج‌ومرج حاکم است. هرج‌ومرج در این محیط به معنای وجود جنگ دائمی نیست، بلکه بیانگر نبود اقتدار برتر به‌منظور ایجاد قواعد و رویه‌های قانونی همراه با اجبار و تنبیه است (Abdollahkhani, 2019: 29). والتز اصل نظم‌دهنده ساختار سیستم بین‌المللی را آنارشیزم می‌داند و اصولاً همین آنارشی و عدم سلسله‌مراتب در سطح سیستم بین‌المللی باعث می‌شود تا دولت‌ها رفتار مشابه داشته باشند و یک دولت نتواند بر جهان مسلط شود. در نتیجه در محیط بین‌الملل، اصل خودیاری^۱ حاکم است به این معنا که چون دولتی وجود ندارد که امنیت اعضا (دولت‌ها) را تأمین کند، همه فقط می‌توانند به قدرت خود برای تأمین امنیت تکیه کنند؛ بنابراین مبنای همکاری واحدهای سیاسی در سیستم بین‌المللی کسب قدرت برای تأمین امنیت در این محیط آنارشی است (Moshirzadeh, 2011: 114).

تعیین کارکرد واحدها (دولت‌ها) دومین عنصر تعریف‌کننده ساختار از نظر والتز است. دولت‌ها گرچه از نظر میزان قدرتی که دارند با یکدیگر متفاوت‌اند، اما رفتاری کاملاً مشابه با یکدیگر دارند. این اصل که خود از اصل آنارشی تأثیر می‌پذیرد بدین معناست که در شرایط فقدان دولت جهانی و در فضای ناامنی حاکم (معمای امنیت)، برای اجرای مقررات هر واحد ناچار است برای امنیت خود تلاش کند. به علت وجود معمای امنیت برای تمامی دولت‌ها، رفتار آن‌ها با یکدیگر نیز

¹ Self help

یکسان است و اصل آناارشی به تدریج در میان دولت‌ها رفتاری مشابه و یکسان پدید می‌آورد (Ghasemi, 2013: 91). در واقع در چنین اوضاعی همه کشورها از لحاظ کارکردی به‌طور یکسانی باید خواهان هدف مشترک بقا باشند؛ بنابراین از لحاظ کارکردی تفاوتی بین واحدها وجود ندارد جز عامل توانمندی که جایگاه واحد را در سطح بین‌المللی تعریف می‌کند (Seifzadeh, 2012: 165).

سومین ویژگی ساختار از دید کنت والتز، توزیع توانمندی‌های داخلی نظام است. والتز از بین سه مؤلفه اصل سازمان دهنده (فقدان اقتدار مرکزی یا سلسله‌مراتبی)، تعیین کارکردهای واحدها و اصل بقا (توزیع توانمندی‌ها)، مؤلفه سوم را عامل اصلی تمایز در نظام بین‌الملل معرفی می‌کند (Moshir zadeh, 2011: 113-114). برای واقع‌گرایان کلاسیک، قدرت به‌خودی‌خود یک هدف محسوب می‌شود، اما برای واقع‌گرایان ساختاری، قدرت وسیله‌ای برای رسیدن به هدف است و هدف نهایی بقا است. قدرت مبتنی بر قابلیت‌های مادی است که یک دولت در دست دارد. نوواقع‌گرایان قدرت را عنوان میزان توانایی‌هایی که یک دولت در اختیار دارد و می‌تواند برای تعقیب منافع خود در نظام بین‌الملل به کار گیرد، تعریف می‌کنند. ظرفیت‌های نظامی و اقتصادی یک بازیگر قدرت را مشخص می‌کند (Bigdeli et al. 2023: 179). بنابراین، اگرچه قدرت در نوواقع‌گرایی مانند واقع‌گرایی کلاسیک، یک مفهوم کانونی و کلیدی برای تحلیل روابط بین‌الملل است، اما قدرت‌طلبی برخلاف تصور واقع‌گرایی کلاسیک از ذات شرور انسان‌ها نشأت نمی‌گیرد بلکه ناشی از ساختار آناارشیکی نظام بین‌الملل است. ثانیاً قدرت به‌خودی‌خود یک هدف نیست بلکه ابزار و وسیله‌ای است برای تأمین امنیت و تضمین بقا در نظام بین‌الملل آناارشیکی به شمار می‌آید (Dehghani Firouzabadi, 2014: 193).

۳- روند پژوهی تاریخی همکاری‌های نظامی ایران و روسیه

قدیمی‌ترین روابط بین ایرانیان و ملل اسلاو که اسلاف روس‌ها هستند در لشکرکشی داریوش هخامنشی در سنه ۵۱۳ قبل از میلاد به سواحل دریای سیاه بوده است و روابط حقیقی و تاریخی بین ایران و روس بسیار قدیمی بوده و از هزار سال بیشتر است (Jamal Zadeh, 1993: 19). از سوی دیگر اولین آشنایی‌های ایرانیان و روس‌ها از طریق نظامی بوده و تاریخ ایران با موضوعی به نام

پیامدهای همکاری دفاعی - امنیتی ایران و روسیه در بحران اوکراین (۲۰۲۲)

تهاجم روس‌ها به این سرزمین آشنا است و روابط دو کشور به هیچ وجه نمی‌توان به تحولات سیاسی ایران معاصر محدود کرد. برخلاف روابط حسنه دوران صفوی، جنگ‌های ایران و روس در اوایل قرن نوزدهم میلادی در دوران قاجاریه که به شکست ایران و تحمیل قراردادهای گلستان و ترکمانچای منجر شد سرآغاز دوره جدیدی از روابط بین ایران و روسیه بوده است. با تسامح می‌توان اولین روابط و همکاری‌های نظامی بین دو کشور را تشکیل بریگارد قزاق در دوران ناصرالدین شاه قاجار به شمار آورد که در جریان دومین سفر ناصرالدین شاه به اروپا در سال ۱۸۷۸ میلادی در مسیر نخجوان - ایروان - تفلیس به سمت مسکو با نیروهای قزاق روسیه که با نظم و انضباط خاصی در مسیر ناصرالدین شاه حرکت می‌کردند، آشنا شد و شاه ایران که در صدد اصلاح قشون برآمده بود در دیدار با امپراتور روسیه در سن پترزبورگ از او خواست که افسرانی را برای تعلیمات نظامی به شیوه قزاق‌ها به ایران اعزام نماید تا گارد مخصوص قزاق در ایران تأسیس گردد و تا زمان انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ شوروی فرماندهی نیروهای قزاق در ایران در اختیار شوروی‌ها بود و بعد از آن انگلیس توانست فرماندهی و مدیریت نیروهای قزاق در ایران را در اختیار بگیرد و سرانجام کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ شمسی رضاخانی را طراحی کند.

در دوران پهلوی اول (۱۳۲۰-۱۳۰۰) روابط دو کشور ایران و روسیه بر اساس یک سوءظن ایدئولوژیکی پیش می‌رفت چراکه اتحاد جماهیر شوروی پس از انقلاب بلشویکی، یک نظام تمامیت‌خواه با ایدئولوژی کمونیستی بود که در صدد اعمال تغییرات انقلابی و بنیادی در کشورهای دیگر برآمده بود. با این که محور همکاری‌های نظامی - دفاعی پهلوی اول بر اساس نگاه به اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها تنظیم شده بود و کشورهای فرانسه برای تجهیز نیروی زمینی، ایتالیا برای ساماندهی ناوگان دریایی و آمریکا در زمینه راه‌اندازی صنعت هوانوردی انتخاب شده بودند، با این وجود همکاری‌های جزئی برای آموزش فنون هوانوردی توسط روسیه به دانشجویان ایرانی ارائه شد و کمابیش همکاری‌های نظامی بین دو کشور در حوزه صنعت هوایی و تشکیل نیروی هوایی در سال‌های ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۵ برقرار بوده است (Mousavi, 2017: 4-12).

روابط دو کشور ایران و روسیه در دوره پهلوی دوم را می‌توان بر اساس آمیزه‌ای از عناصر «تقابل و همکاری» نام‌گذاری کرد از دلایل تقابل دو کشور می‌توان به اشغال ایران توسط نیروهای متفقین در جریان جنگ جهانی دوم ورود نیروهای شوروی به خاک ایران و استقرار در صفحات

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

شمالی کشور، عمل نکردن به تعهد خود مبنی بر خروج و تخلیه از خاک ایران پس از پایان جنگ جهانی دوم، سازمان‌دهی هسته‌های کمونیستی وابسته به شوروی در ارتش ایران، تشکیل نیروهای غیررسمی و وابسته در استان‌های آذربایجان و کردستان و... از دلایل تقابل سرد ایران و روسیه در این دوران بوده است و محمدرضا شاه پهلوی برای جلوگیری از حرکت‌های مداخله‌جویانه شوروی در امور داخلی ایران ناچار بود به قدرت دیگر یعنی آمریکا برای مهار روس‌ها متوسل شود. گرچه در این دوران شوروی‌ها نیز با پیوستن ایران به پیمان نظامی سنتو ناراضی بودند و آن را مغایر با حسن هم‌جواری دو کشور می‌دانستند و در برهه‌ای نیز تا اخراج وابسته شوروی در اسفندماه سال ۱۳۴۴ روابط دو کشور پیش رفته بود.

از سوی دیگر مدیریت تنش به علت ملاحظات عمل‌گرایانه پهلوی دوم از اصول اساسی روابط دو کشور در برهه زمانی سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۲۰ بوده است. به علت قرار گرفتن ایران در چتر حمایتی ایالات متحده آمریکا و گسترش همکاری‌های نظامی امنیتی با غرب اتحاد جماهیر شوروی ناچار بود برای کاهش و جلوگیری از هزینه‌های تقابل با ایران از دهه ۱۳۴۰ شمسی به همکاری‌های اقتصادی و فنی با ایران روی آورد که احداث کارخانه ذوب آهن اصفهان، ماشین‌سازی اراک، ساخت سد ارس، بازسازی بنادر دریای خزر و شیلات و... از جمله این همکاری‌ها بوده است (Hoshang Mahdavi, 1994: 323). از اوایل دهه ۱۳۵۰ شمسی نیز به تدریج روابط دو کشور روبه بهبودی نهاد و زمینه برای همکاری‌های نظامی و تسلیحاتی بین دو کشور فراهم شده بود. در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ حجم خریدهای تسلیحاتی دو کشور به بیش از یک میلیارد دلار رسید که حجم عمده خریدهای ایران را موشک‌های ضد هوایی و وسایل حمل و نقل زمینی تشکیل می‌داد و در آخرین مرحله از خریدهای تسلیحاتی در مهرماه سال ۱۳۵۷ و در جریان سفر ارتشبد طوفانیان به این کشور کامیون‌های تانک بر، موشک‌های ا.پی.سی و سام ۷ از روسیه خریداری شده بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به خصوص در بحبوحه جنگ تحمیلی هشت ساله با عراق، تقریباً هیچ همکاری نظامی میان ایران و شوروی وجود نداشت. شوروی‌ها حتی در رسیدن ساده‌ترین تجهیزات ابتدایی دفاعی مانند سیم خاردار به ایران ممانعت می‌کردند و در اثنای جنگ ایران و عراق، تجهیزات دفاعی شوروی از طریق چند واسطه مانند چین، ویتنام، سوریه، رومانی و بلغارستان، با هزینه‌های بسیار زیاد به دست ایران می‌رسید.

پیامدهای همکاری دفاعی - امنیتی ایران و روسیه در بحران اوکراین (۲۰۲۲)

بعد از پایان جنگ تحمیلی و اتخاذ سیاست‌های بازسازی توان دفاعی ایران و از سویی دیگر، نیاز شدید روسیه به فروش تسلیحات، همکاری‌های نظامی - دفاعی دو کشور شروع شد. اولین همکاری جدی طرفین در زمینه دفاعی، توافق‌نامه‌ای ۲,۲ میلیارد دلار بود که در سال ۱۹۹۱ میان دو کشور امضا شد و بر اساس آن روسیه متعهد شد که به ایران کمک‌های فنی لازم برای تولید هزار دستگاه تانک T72S و مهمات آن را بدهد که در دوره «بوریس یتسین»، رئیس‌جمهوری وقت روسیه، به علت تعهد ایشان به «بیل کلینتون»، رئیس‌جمهوری وقت آمریکا، پیش از پایان موعده آن از جانب روسیه لغو شد؛ اما پس از توسعه ناتو به سمت شرق، در سال ۲۰۰۰، روسیه رسماً به آمریکا اعلام کرد که از تفاهمات مربوط به توقف همکاری با ایران عقب‌نشینی می‌کند و همان زمان ولادیمیر پوتین دستور از سرگیری اجرای توافقات دولتی با ایران را داد. در همین برهه بود که سه فروند هواپیمای تهاجمی سوخو ۲۵، ۱۷ فروند بالگرد ترابری میل، ۲۹ سامانه پدافند هوایی تور ام ۱، موشک‌های سام ۱۶ و ۱۷ و همچنین، موتورهای جت از سوی روسیه به ایران تحویل داده شد. لازم به ذکر است که همین زمان بود که ایران تقاضای خرید سامانه پدافند هوایی راهبردی اس ۳۰۰ از روسیه را ارائه کرد که به دلایلی چون صدور قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت سازمان ملل علیه ایران که هرگونه انتقال تانک، خودروهای زرهی، هواپیماهای جنگی، بالگردهای تهاجمی، توپخانه، کشتی، موشک و قطعات مرتبط با آن‌ها به ایران را ممنوع اعلام کرده بود، روس‌ها از تحویل اس ۳۰۰ به ایران خودداری کردند و کلیه همکاری‌ها و قرارداد‌های نظامی با ایران را متوقف کردند (Khosrow, 2017: 82). اما از ابتدای سال ۲۰۱۱ رویکرد سیاست خارجی روسیه متأثر از تحولات بین‌المللی به سمت ایران تغییر کرد و روس‌ها که ایران را در بند شورای امنیت سازمان ملل قرار داده بودند در یک تغییر موضع صریح بر غیرنظامی بودن فعالیت‌های هسته‌ای ایران تأکید داشتند. آنچه در این مقطع عامل مهم فاصله گرفتن روسیه از غرب و نزدیک شدن مجدد به ایران بود از یک سو مخالفت کنگره آمریکا با معاهده کاهش سلاح‌های استراتژیک بود که از سوی جمهوری خواه‌ها تصویب شده بود و عامل دوم وقوع انقلاب‌های مردمی در خاورمیانه و شمال آفریقا بود (Katz, 2012: 61). همچنین ملاحظات سیاسی و اقتصادی که روس‌ها در خصوص صادرات تسلیحات در برهه زمانی ۲۰۱۱ به بعد مدنظر داشتند سبب تغییر دیدگاه آن‌ها در

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

مراودات تسلیحاتی با ایران شده است و به‌عنوان مثال به نقل از ویکتور اوزوف^۱ رئیس کمیته امنیتی و دفاعی مجلس اعلی روسیه تنها در یکی از قراردادهای تسلیحاتی بین دو کشور بودجه ۱۰ میلیارد دلاری در نظر گرفته شده است (Parker, 2019: 13). دو عامل مهم دیگر که سبب ارتقاء سطح همکاری‌های دفاعی-امنیتی ایران و روسیه از ۲۰۱۱ شده است را می‌توان بحران سوریه و بحران اوکراین برشمرد. در تحولات سوریه و از اواخر سال ۲۰۱۴ در مقطعی که نوعی حالت رکود بر صحنه نبرد حاکم بود و نه دولت سوریه و نه مخالفان آن توان پیشروی نداشتند لازم بود تا نیروی سوم وارد صحنه شود تا موازنه قوا را تغییر دهد. بنا به ملاحظات راهبردی تاریخی که همواره روس‌ها در خصوص سوریه دارند این نیروی سوم می‌توانست روسیه باشد که همین اتفاق رخ داد. (Nouri Asl, 2022: 138). همکاری روسیه با این ائتلاف (محور مقاومت) به‌صورت یک تقسیم‌کار در سه حوزه صورت گرفت: تأمین تسلیحات توسط روسیه، فراهم آوردن اطلاعات استراتژیک برای جبهه مقاومت و حضور در عملیات نظامی به صورت حملات هوایی و موشکی (Kozhanov, 2015: 9).

مسئله دیگری که به افزایش همکاری‌های دفاعی-امنیتی ایران و روسیه منجر شد وقوع جنگ روسیه با اوکراین از اوایل سال ۲۰۲۲ است در واقع تهاجم گسترده روسیه در روز ۵ اسفند ۱۴۰۰ (۲۴ فوریه ۲۰۲۲) به اوکراین که تداوم و ادامه دهنده تنش روسیه و اوکراین در سال ۲۰۱۴ است تا حدود زیادی همکاری‌های دفاعی-امنیتی ایران و روسیه را تحت تأثیر خود قرار داده است. با وجود گفتارها و کنش‌های بی‌طرفانه ایران، طرح موضوع همکاری‌های نظامی جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه در حوزه‌های پهپادی و حتی موشکی، انگشت اتهام غرب را به سوی تهران نشانه رفته و برخی ادعاهای سیاسی و حقوقی را علیه ایران سبب شده است.

۴- تحلیل داده

۴-۱- پیامدهای مثبت روابط دفاعی ایران و روسیه در جنگ اوکراین بر امنیت

ملی ایران

¹ Victor Osov

۴-۱-۱- ارتقاء توان نظامی ایران و افزایش سطح بازدارندگی

بر اساس نظریه واقع‌گرایی ساختاری، واحدها در عرصه بین‌الملل برای کسب بقا و ماندگاری در عرصه بین‌المللی باید توان و قدرت خود را ارتقاء ببخشند. از جمله راهکارهای این مسئله می‌توان به افزایش قدرت نظامی، خرید یا تولید انبوه تسلیحات نظامی، افزایش قدرت اقتصادی و... اشاره کرد. جمهوری اسلامی ایران در طول دهه‌های گذشته برای خرید و فروش تسلیحات نظامی، با مانع مهمی به نام تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده آمریکا و تحریم‌ها و قطعنامه‌های شورای امنیت مواجه بوده است که بر اساس قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد در ۲۰ ژوئیه ۲۰۱۵ میلادی که بعد از برجام منعقد شده بود بخش‌های مهمی از این تحریم‌ها در سال ۲۰۲۰ لغو شد و بخش‌های دیگر آن هم در ۲۶ مهر ماه سال ۱۴۰۲ لغو گردیده است؛ اما با توجه به این که ایالات متحده آمریکا در پی تمدید این تحریم و عدم لغو تحریم‌های تسلیحاتی ایران در حوزه‌های موشکی و پهپادی است، جمهوری اسلامی ایران به ناچار همچون گذشته در پی بازارهای غیرشفاف و پنهانی خرید و فروش سلاح خواهد بود. در این میان یکی از مهم‌ترین شرکا روسیه است. حتی در صورت لغو کامل این تحریم‌ها، ایران به خوبی به این مسئله آگاه است که با وجود نیاز ایران به فناوری‌های نوین نظامی برای نوسازی نیروهای نظامی خود، کشورهای اروپایی حاضر به همکاری در زمینه‌های حساس مانند نظامی و دفاعی با ایران نخواهند بود. همان‌طور که وقتی بخش‌های مهمی از تحریم تسلیحاتی بین‌المللی علیه ایران در اکتبر ۲۰۲۰ پایان یافت، هیچ کشور اروپایی به جز روسیه علاقه‌ای به گسترش همکاری‌های نظامی با ایران نشان نداد. در همان برهه اتمام زمان تحریم‌های تسلیحاتی که آمریکایی‌ها به شدت در پی تمدید تحریم‌های تسلیحاتی ایران بودند روسیه و چین از مخالفان اصلی تمدید تحریم تسلیحاتی علیه تهران بودند. همکاری با روسیه در کنار تلاش برای توسعه فناوری نظامی بومی، دو رکن اصلی استراتژی ایران برای ارتقای نیروهای مسلح این کشور بوده است (Salehi and Sajjadi, 2022: 61). اگرچه روسیه برای جلوگیری از تحریم‌های احتمالی و تحریک غرب و رقبای منطقه‌ای ایران از ارائه سامانه‌های تهاجمی مانند جت‌های جنگنده پیشرفته به ایران امتناع کرده است، اما ممکن است رویارویی روسیه و غرب بر سر اوکراین در نهایت روس‌ها را متقاعد و به نحوی ناچار کند که روابط نظامی - دفاعی با تهران را به سطح بالاتری برسانند که با توجه به سطح دسترسی روس‌ها به فناوری‌های جدید نظامی، این

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

مسئله به نوبه خود فرصتی بالقوه برای توسعه قابلیت‌های نظامی پیشرفته برای ایران فراهم خواهد ساخت. گرچه سیاست رسمی روس‌ها تا سال ۲۰۱۱ در چارچوب توافق گور-چرنومردین بین آمریکا و روسیه در سال ۱۹۹۵ (ممنوعیت فروش تسلیحات مسکو به تهران و عدم پشتیبانی فنی و تجهیزاتی از تسلیحات واگذار شده به ایران) بر همراهی با غرب در تحریم تسلیحاتی ایران بود، اما از سال ۲۰۱۱ به بعد متأثر از مسائلی همانند افزایش تنش روسیه با غرب بر سر شبه‌جزیره کریمه، گسترش ناتو به سمت شرق، افزایش سطح همکاری‌های دو کشور در بحران‌های منطقه‌ای همانند بحران سوریه سطح همکاری‌های دفاعی-امنیتی ایران و روسیه رو به افزایش گذاشته است (Alamdard & Kolayi, 2022: 150). در طی دو سال اخیر نیز تهاجم روسیه به اوکراین که باعث وضع تحریم‌های گسترده و همه‌جانبه غرب علیه این کشور گردیده و با کاهش درآمدهای انرژی روسیه در بازارهای جهانی همراه بوده این کشور را ناچار کرده است تا بخشی از درآمدهای خود را با فروش تسلیحات نظامی به کشورهای مخالف غرب همچون ایران جبران نماید که طرح فروش جنگنده‌های یاگ ۱۳۰ و فروش جنگنده‌های سوخو ۳۵ از جمله آن‌هاست. از طرف دیگر یکی از خلأهای فناوری روس‌ها در جریان جنگ اوکراین در حوزه مسائل پهپادی به‌عنوان یکی از آخرین فناوری‌های عرصه نبرد نظامی جدید بود که پس از شروع چند ماه از جنگ دو کشور به‌وضوح عیان گردید و روس‌ها را با دادن تلفات سنگین مجبور کرد تا در این حوزه برای رفع خلأ یادشده به کشورهای دیگر متوسل شوند (Bronk at all, 2023: 32-33). بر اساس گزارش آژانس تحقیقات دفاعی سوئد سطوح قابل توجهی از حمل‌ونقل محموله بین دو کشور، هم در حوزه هوایی و هم در حوزه دریایی برقرار است. ایران ظاهراً بین اکتبر ۲۰۲۲ تا آوریل ۲۰۲۳ بیش از ۳۰۰۰۰۰ گلوله توپ و بیش از یک میلیون گلوله دیگر انواع مهمات را به روسیه ارسال کرده است. از سپتامبر ۲۰۲۲، روسیه از پهپادهای تهاجمی یک‌طرفه ایرانی در کمین بمباران استراتژیک خود علیه زیرساخت‌های حیاتی، دفاع هوایی و تأسیسات انرژی اوکراین استفاده کرده است. گرچه ایران مدعی است که سابقه صادرات پهپاد به روسیه به قبل از وقوع جنگ بین دو کشور روسیه و اوکراین برمی‌گردد، اما به اذعان کارشناسان نظامی نقش سلاح‌های استراتژیک همانند پهپادهای شاهد ایرانی در عرصه نبردهای دو کشور تاکنون تعیین‌کننده بوده است. در مقابل تقویت همکاری نظامی ایران با روسیه احتمالاً می‌تواند به تحکیم پایگاه صنعتی نظامی ایران، تجدید نیروی هوایی

پیامدهای همکاری دفاعی- امنیتی ایران و روسیه در بحران اوکراین (۲۰۲۲)

فرسوده و تسریع برنامه فضایی آن کمک کند. تجهیزات نظامی نیروی هوایی ایران که پس از بیش از ۴۰ سال تحت تحریم‌ها بوده، به شدت نیازمند نوسازی هستند. یک نیروی هوایی مدرن، انعطاف‌پذیری ایران را در یک جنگ متعارف تقویت می‌کند و به همین جهت خرید جت جنگنده Su-۳۵ در صدر فهرست نیازمندی‌های ایران قرار دارد. سایر تجهیزاتی که ایران مایل به تهیه آن است شامل سامانه پدافند هوایی زمینی اس-۴۰۰، قایق‌های موشکی، ناوها و ناوهای فرود می‌شود. ناوگان زیردریایی کنونی ایران نیز نیازمند نوسازی است و زیردریایی‌های کیلویی بهبودیافته پروژه ۶۳۶ روسیه را به گزینه‌ای جذاب برای نوسازی ناوگان نیروی دریایی ایران تبدیل کرده است (Holmquist & Khan, 2024: 3-8).

۲-۱-۴- افزایش همگرایی دو کشور در جهت مقابله با تهدید گسترش ناتو به سمت

شرق

یکی از دغدغه‌ها و نگرانی‌های امنیتی روسیه بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و انحلال پیمان ورشو، ممانعت از گسترش ناتو به سمت شرق و هم‌جواری جغرافیایی با مرزهای این کشور بوده و به‌مثابه خط قرمز امنیتی روس‌ها در نظام بین‌الملل محسوب شده است. در خلال مذاکرات پیمان‌های سالت و استارت و تفاهم‌نامه یادداشت بوداپست، ایالات متحده آمریکا به صورت ضمنی پذیرفته بود تا از گسترش و عضوگیری کشورهای اروپای شرقی به سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) ممانعت به عمل آورد، اما پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، با درک ضعف روسیه در آن برهه، غرب بدون درک نگرانی‌های روسیه فضا را فراهم دید تا در چند مرحله استراتژی گسترش به شرق ناتو را به اجرا بگذارد. نخستین دور از تلاش‌ها برای گسترش ناتو در سال ۱۹۹۹ صورت گرفت که نتیجه آن نیز ملحق کردن جمهوری چک، لهستان و مجارستان به این اتحادیه بود. دومین بخش از این فرایند توسعه در سال ۲۰۰۴ تحقق پیدا کرد و در این مرحله بود که بلغارستان، استونی، لتونی، لیوانی، رومانی، اسلواکی و اسلوانی نیز به ناتو پیوستند. مسکو از همان ابتدا شدیداً اعتراض خود را اعلام کرد؛ اما در آن زمان روس‌ها بسیار ضعیف‌تر از آن بودند تا مانع از پیشروی ناتو به سمت شرق شوند. به هر حال در آن زمان این پیشروی آن قدرها هم تهدیدکننده نبود چرا که هیچ یک از اعضای جدید به‌جز کشورهای کوچک حاشیه دریای بالتیک، مرز مشترکی با روسیه نداشتند. پس از آن بود که ناتو پیشروی بیشتر خود به سمت شرق را آغاز کرد

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

(Deheshyar, 2014: 170-178). کشورهای عضو ناتو در نشست ماه آوریل سال ۲۰۰۸ خود که در بخارست برگزار شد، مسئله الحاق گرجستان و اوکراین به این اتحادیه را نیز مورد بررسی قرار دادند. دولت «جرج بوش» رئیس جمهوری وقت آمریکا در آن زمان از این اقدام حمایت کرد، اما فرانسه و آلمان با ابراز نگرانی از واکنش روسیه با این اقدام مخالفت کردند. در پایان این نشست، اعضای ناتو به این جمع بندی رسیدند که این اتحادیه فعلاً هیچ پروسه رسمی الحاقیه اعضای جدید را آغاز نمی کند، اما بیانیه پایانی این نشست، درخواست گرجستان و اوکراین را تأیید کرده و صراحتاً اعلام کرد، «این کشورها سرانجام عضو ناتو خواهند شد» (Mearsheimer, 2014: 2-4). اصرار ایالات متحده آمریکا و غرب به پیوستن گرجستان و اوکراین سبب واکنش روس ها شد و در سال ۲۰۰۸ دست به اشغال منطقه آبخازیا و اوستیای جنوبی زد و در سال ۲۰۱۴ هم الحاق شبه جزیره کریمه و جدایی آن از خاک اوکراین اقدام کرد. گسترش ناتو به شرق از نگرانی های مشترک روسیه و جمهوری اسلامی ایران است و این گسترش بی ملاحظه را می توان ستیز ژئوپلیتیکی خطرناک برای مهار نظامی کشورهای همانند روسیه، ایران و چین قلمداد کرد (klympush, 2015: 11). بر اساس رهنامه دفاعی جمهوری اسلامی ایران و دیدگاه های رهبری انقلاب، با توجه به سرریز شدن بی ثباتی در مجموعه امنیتی های مجاور به مجموعه امنیتی غرب آسیا و تحت تأثیر قرار گرفتن امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، گسترش ناتو به سمت شرق و به ویژه در منطقه قفقاز شمالی و جنوبی، تهدیدی جدی برای امنیت ملی ایران به شمار می آید و در صورت پیوستن اوکراین به ناتو سایر کشورهای منطقه نیز خواهان این مسئله می شوند. (دیوسالار و محمدی، ۱۳۹۴: ۶۳-۶۵). در همین راستا است که رهبری انقلاب در سخنرانی خود به مناسبت عید مبعث (۱۴۰۰/۱۲/۱۰) درحالی که فقط چند روز از آغاز بحران اوکراین گذشته بود در یک سخنرانی تلویزیونی، ریشه اصلی وقوع این جنگ را «سیاست توسعه طلبانه و غیرمسئولانه آمریکا و غرب» می داند (<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49680>) که این سیاست در قالب پروژه توسعه ناتو به شرق در حال پیگیری است. از این منظر مقابله با گسترش ناتو و کاهش تهدیدات امنیتی صرفاً با واکنش های نظامی میسر نمی گردد بلکه نیازمند درک و فهم گرایانه و مشترک تهدید توسط کشورهای است که از این منبع قدرت احساس نگرانی و تهدید می کنند. به هر میزان ناتو به سمت شرق گسترش پیدا کند همگرایی کشورهای همانند روسیه، ایران و چین به

یکدیگر بیشتر خواهد بود و ائتلاف‌های سیاسی و نظامی به‌ناچار بین آن‌ها مستحکم‌تر خواهد شد چراکه ممکن است با گسترش ناتو به سمت شرق بعضی از کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز به سیاست‌های غرب‌گرایانه روی آورند و در این صورت مجموعه امنیتی منطقه دستخوش دگرگونی‌های اساسی شود (Fallahi & Ameri, 2015: 82).

۴-۳- افزایش همگرایی بین دو کشور در فرایند جابجایی قدرت از غرب به شرق در گذار بین‌المللی

یکی از مشخصه‌های اصلی و کلان دوران گذار در نظام بین‌الملل کنونی آشکار شدن نشانه‌ها و علائم جابجایی قدرت در نظام بین‌الملل به‌عنوان یک واقعیت تردیدناپذیر، عینی و پرتنش است و این فرآیند جابجایی به‌گونه‌ای است که علاوه بر کنشگران سنتی، کنشگران غیردولتی، کنشگران نوظهور و همچنین قدرت‌های بزرگ، قدرت‌های منطقه‌ای، قدرت‌های میانه و دیگر بازیگران را در برمی‌گیرد. در این معنا انحصار کنشگری قدرت‌های بزرگ به پایان رسیده و این فرایند جابجایی، دیگر به قدرت‌های بزرگ محدود نمی‌گردد. از نشانه‌های این جابجایی قدرت در بعد جغرافیایی می‌توان به افول نسبی هژمونی گرایی و افول تدریجی موقعیت حوزه اقیانوس اطلس شمالی به‌عنوان مهم‌ترین کانون قدرت و نفوذ در روابط بین‌الملل، چرخش نسبی و آرام قدرت در حوزه اقتصاد سیاسی بین‌الملل از حوزه آتلانتیک و غرب جغرافیایی به حوزه پاسیفیک و شرق جغرافیایی (مرکزیت زدایی از ژئوپلیتیک آتلانتیک محور و قدرت گرفتن اقتصادی آسیا و رواج تعبیر سده بیست و یکم به‌عنوان سده آسیایی)، (Shaw, et al, 2007: 27-28) گسترش منازعات فرایند جابجایی قدرت به عرصه مناطق و رقابت‌های نظم منطقه‌ای (تکاپو بهره‌گیری قدرت‌های نوظهور از رقابت‌های منطقه‌ای برای پیشبرد سیاست بین‌المللی خود) اهمیت یابی دوباره منطقه‌گرایی در جغرافیای قدرت و رواج اصطلاح جهان مناطق و نظم جهانی چند منطقه‌ای (Hurrell, 2007: 127-146) اشاره کرد. در این فرایند انتقال قدرت در دوران گذار وقوع هرگونه شکاف در بین قدرت‌های نظام جهانی مطابق با اهداف بین‌المللی ایران است. با تنش میان مسکو و غرب در اوکراین شکاف موردنظر تهران در عرصه نظام بین‌الملل ایجاد شده است. برای مثال پوتین در جریان امضای توافق الحاق کریمه، با تاختن به رویکرد یک‌جانبه‌گرایی در نظام بین‌الملل، گفت غربی‌ها به رهبری آمریکا فکر می‌کنند که از سوی خدا مأمور شده‌اند تا درباره سرنوشت

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

مردمان دیگر تصمیم بگیرند. وی همچنین عنوان کرد که غربی‌ها دائماً تلاش کرده‌اند ما را به گوشه‌ای برانند، به خاطر این که برای استقلال خود ایستاده و از آن دفاع می‌کنیم (Nonejad & Karami, 2017: 165).

این نگاه و سیاست پوتین با رویکرد و خوانش جمهوری اسلامی در خصوص نظم جهانی قرابت دارد. بدین ترتیب با تشدید مقاومت‌ها در برابر نظم موجود غرب محور، فشارها بر جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی و مخالف این نظم تعدیل می‌شود و امکان انتخاب‌های بیشتری برای این کشور در عرصه بیرونی فراهم می‌آورد. به همین دلیل تهران با سیاست و راهبرد نزدیکی به روسیه به‌دنبال بهره‌برداری حداکثری از شکاف فعلی ایجادشده در نظام بین‌الملل به نفع منافع ملی لذا شاهد ظهور «نگاه به شرق تقسیم‌بندی شده» در سیاست خارجی ایران هستیم که بر اساس آن روسیه به‌عنوان شریک نظامی-امنیتی و چین به‌عنوان شریک اقتصادی برای ایران در نظر گرفته شده است. این نگاه به‌صورت ویژه‌ای در تصور دولتمردان ایران از جنگ اوکراین نیز وجود دارد.

۴-۱-۴- همکاری‌های اقتصادی در جهت غلبه بر بحران تحریم‌ها

همکاری‌های اقتصادی و تجاری ایران و روسیه برای غلبه بر تحریم‌های مشترک غرب و آمریکا از دیگر پیامدهای مثبت بحران اوکراین برای تأثیرگذاری بر امنیت ملی ایران در جهت تقویت توان و قدرت این کشور در عرصه داخلی و محیط بیرونی است. در واقع با طرح اتهام همکاری تهران و مسکو در جنگ اوکراین و اعمال تحریم بر این دو کشور، باید انتظار تقویت همکاری‌های اقتصادی و تجاری میان طرفین را داشت. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های همگرایی ایران و روسیه، به سیاست‌های آمریکا و حتی نظام بین‌الملل در قبال این دو کشور بازمی‌گردد. با وجود تفاوت نگرش دو کشور ایران نسبت به آمریکا در خصوص راهبردها، اهداف و چشم‌اندازهای آینده، اما یک وجه اشتراک مهمی به نام سیاست‌های یک‌جانبه‌گرایانه آمریکا در قبال این دو کشور، عامل مهمی در تقویت مناسبات آنان بوده است. چنانچه در این زمینه، تحریم‌های بین‌المللی علیه دو کشور به یکی از محرک‌های دو طرف برای تقویت مناسبات تبدیل شده است (Nonejad & Karami, 2017: 161).

پیامدهای همکاری دفاعی - امنیتی ایران و روسیه در بحران اوکراین (۲۰۲۲)

بنابراین انتظار می‌رود تحریم‌های گسترده غرب علیه روسیه در جریان بحران اوکراین که اثرات آن بر اقتصاد روسیه محسوس شده است و روسیه را تبدیل به اولین کشور به لحاظ داشتن تعداد تحریم‌ها کرده بر پتانسیل روابط تجاری و اقتصادی تهران و مسکو تأثیر بگذارد. بر اساس آمارهای موجود که توسط معاونت دیپلماسی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران ارائه شده است حجم تجارت خارجی روسیه در سال ۲۰۲۳ نسبت به سال ۲۰۲۲ با کاهش ۱۶/۲۴ درصدی به ۷۱۰/۱ میلیارد دلار در سال رسیده است که بیشترین میزان کاهش آن به اروپا و آمریکا تعلق داشته است، اما بررسی همین آمار که از گمرک فدراسیون روسیه اخذ شده است بیانگر آن است که بیشترین میزان افزایش آمار تجارت خارجی روسیه به کشورهای آسیایی با افزایش ۵/۶ درصدی تعلق داشته است (<https://economic.mfa.ir/portal/newsview/740918>). در این میان بر اساس اعلام معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، حجم تجارت خارجی ایران در سال ۱۴۰۰ برابر با ۱,۲ میلیارد دلار در سال بوده که در انتهای سال ۱۴۰۲ به ۵/۳ میلیارد دلار افزایش یافته است که در این میان سهم صادرات ایران به روسیه برابر با ۳/۲ میلیارد دلار و سهم واردات از این کشور برابر با ۲/۱ میلیارد دلار بوده است (<https://economic.mfa.gov.ir>).

۲-۴- پیامدهای منفی همکاری دفاعی - امنیتی ایران و روسیه در بحران اوکراین

۲-۴-۱- تشدید تصویرسازی امنیتی از جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی

با وجود آن‌که عمده پیامدهای مثبت همکاری دفاعی - امنیتی ایران و روسیه در بحران اوکراین در حوزه امنیت ملی ایران است، اما در عین حال مهم‌ترین پیامد منفی همگرایی ایران و روسیه در بحران اوکراین نیز در وجه امنیتی آن خلاصه می‌شود. شواهد بیانگر آن است که تلاش غرب و بخصوص آمریکا در طول چند دهه گذشته، ناظر به ساخت یک تهدید امنیتی از ایران نزد افکار عمومی بین‌المللی بوده است. کشورهای غربی در طی دهه‌های گذشته کوشیده‌اند تصویری از جمهوری اسلامی ایران را به جهان منعکس کنند که بر اساس این تصویر، ایران به‌عنوان یک اخلال‌گر نظم منطقه‌ای و بین‌المللی عمل کرده و با کنش‌های ضد ساختاری خود امنیت و صلح بین‌المللی را به مخاطره انداخته است. این مسئله می‌تواند راه را برای اعمال انواعی از فشارها و

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

تهدیدها بر ضد جمهوری اسلامی ایران هموار نماید. روند تقابل غرب با جمهوری اسلامی ایران بعد از بحران اوکراین نشان می‌دهد که پروژه امنیتی سازی جمهوری اسلامی وارد فاز جدی و جدیدی شده است که هدف اصلی آن تصویرسازی مخرب از ایران در سطح نظام بین‌الملل و به‌نوعی افزایش سطح امنیتی سازی از فعالیت‌های ایران در این حوزه است. هرچند در این بحران، تهران به‌عنوان «متحد» مسکو هیچ‌گاه به موج محکومیت‌های بین‌المللی علیه تهاجم روسیه نیوسته و از اقدام روسیه نیز حمایت نکرده و به‌نوعی سیاست بینابینی را در پیش گرفته که هم نزدیکی با روسیه را حفظ کند و هم در تقابل شدید با غرب قرار نگیرد؛ اما واقعیت این است که غرب با کمک ابزارهای رسانه‌ای و به دلیل تقابل‌های پیشینی با ایران در حوزه‌های مختلف سیاسی و امنیتی، ایران را در ردیف کشورهای متحد روسیه تعریف کرده و اجازه تعریف یک نقش مستقل برای ایران در این بحران را به سیاستمداران ایران نداده است. پروژه امنیتی سازی ایران و انزوای آن در محیط منطقه‌ای و جهان، یکی از راهبردهای مورد توجه و جذاب اسرائیل و جمهوری خواهان آمریکا است که در سطوح مختلف برخورد با جمهوری اسلامی ایران همواره پیگیری شده و در قالب سیاست‌های رسمی و اعلامی و همچنین دیپلماسی عمومی از سوی غرب به کار گرفته شده است. سیاست ایجاد فضای تهدید علیه ایران برای یأس آفرینی و بازداشتن آن از اهرم‌های مؤثر اقتدار آفرین و بازدارنده خود در فضای منطقه‌ای و جهانی همواره مورد استفاده قرار گرفته و در بحران اوکراین هدف آن است که در افکار عمومی نبرد روسیه و اوکراین به‌عنوان هم‌وردی شر و خیر به تصویر کشیده شده و هم‌آوایی کشورهای نظیر روسیه، ایران، سوریه، بلاروس و حتی چین در برابر محور غرب و ناتو، تجسمی از تهدید آفرینی و صلح‌زدایی در جهان معرفی گردد. علاوه بر این غربی‌ها به‌شدت در پی بازگرداندن تحریم‌های تسلیحاتی بر ضد جمهوری اسلامی ایران هستند که بهترین بهانه و دستاویز به این منظور، اتهام همکاری‌های تسلیحاتی ایران و روسیه در جنگ اوکراین است (Kolayi & Zangeneh, 2023: 49-52).

تعمیق اتحاد نظامی ایران با روسیه باعث توقف گفت‌وگوهای برجامی، افزایش تلاش‌ها برای تروریستی اعلام کردن نیروهای نظامی ایران، حمایت بیشتر غرب و اوکراین از گروه‌های برانداز ایرانی، شکل‌گیری پدافند هوایی یکپارچه رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی با مدیریت سنتکام و مقبولیت ادعای آمریکا برای بازنمایی جمهوری اسلامی به‌عنوان تهدیدی برای امنیت منطقه‌ای و

پیامدهای همکاری دفاعی - امنیتی ایران و روسیه در بحران اوکراین (۲۰۲۲)

فرمانطقه‌ای و تداوم ایران هر اسی شده و مشارکت ایران در جنگ روسیه با اوکراین، یک تهدید بزرگ برای بر ساختن چهره‌ای منفی و امنیتی کردن سیاست خارجی ایران بوده است (Rumi & Al-Sayed Ghafoor: 2023: 51). بنابراین تلاش برای انزوای ایران در عرصه بین‌المللی یکی دیگر از راهبردهایی است که کشورهای غربی در طی چهار دهه گذشته همواره آن را در دستور کار قرار داده‌اند در مقابل جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده است تا با تنوع بخشیدن به سیاست خارجی خود به خصوص با پیگیری سیاست تعامل با قدرت‌های نوظهور این سیاست خصمانه را ناکام بگذارد تهران در طول سال‌های گذشته و به‌ویژه پس از تجربه ناکام و شکست خورده اجرای توافق برجام در سال ۲۰۱۵، تصمیم گرفت تا با قدرت‌های مستقل و نوظهور جهانی که سهمی در آینده مناسبات و نظم بین‌المللی دارند، توافقات درازمدت و جامعی را امضا نموده و ریل‌گذاری روابطی مستحکم و باثبات را به انجام برساند. اکنون و با طرح اتهام مشارکت ایران در جنگ روسیه و اوکراین، غربی‌ها در پی اعمال فشار حداکثری بر ضد ج.ا.ایران برای دست کشیدن از روابطی نزدیک با قدرت‌های نوظهوری چون چین و روسیه هستند. در واقع یکی از پیامدهای اتهام یاد شده که از اهداف راهبردی غرب محسوب می‌شود، عدول جمهوری اسلامی ایران از سیاست نگاه به شرق و توافقات جامع با قدرت‌های مستقل جهانی است تا تهران همچنان در وضعیت بلاتکلیف، در تمنای توافق با غربی‌ها برای تأمین حداقلی از منافع ملی خویش باشد. هدف غرب آن است تا با فشار روانی حداکثری مانع از پیشروی بیشتر جمهوری اسلامی ایران به سمت همکاری با کشورهای مخالف سلطه و هژمونی بلوک غرب شود و هزینه پیگیری این سیاست هم برای ایران و هم برای کشورهای پیرویی که قصد همکاری با ایران را دارند به طرز قابل توجهی افزایش دهند.

۲-۲-۴- افزایش قدرت شرکای منطقه‌ای ناتو در جهت مهار هر چه بیشتر ایران

راهبرد گسترش ناتو به شرق یکی از سیاست‌هایی است که از سوی کشورهای عضو این سازمان در سه دهه گذشته در دستور کار قرار گرفته است تا از طریق بازبینی فلسفه و تعریف مأموریت جدید برای این سازمان، بتوانند حیات آن را تداوم ببخشند به همین جهت با ایجاد هراس و به تعبیر بهتر با هراس افکنی برای متحدان منطقه‌ای خود در زمان‌های مختلف و بر سر موضوعات متعدد توانسته‌اند این مسئله را به‌خوبی توجیه نمایند (Deheshyar, 2014: 164-165). یکی از مسائلی که می‌تواند زمینه و بهانه همگرایی بین ناتو و شرکای منطقه‌ای این پیمان فراهم نماید

همکاری‌های دفاعی - امنیتی ایران و روسیه در بحران اوکراین است. در واقع، چالش بعدی که به دلیل همکاری‌های نظامی ایران و روسیه، غرب برای ایران ایجاد می‌کند، افزایش قدرت شرکای منطقه‌ای ناتو در پرتو بحران اوکراین یکی از این پیامدهاست. تقابل ایران و غرب متأثر از جنگ روسیه و اوکراین با تقویت ناتو و گسترش آن به حوزه قفقاز مرزهای شمالی ایران باعث تشدید ناامنی‌های منطقه‌ای علیه ایران خواهد شد و همچنین این پدیده می‌تواند به تدریج به سایر مناطق پیرامونی ایران از جمله غرب آسیا سرایت پیدا کند (Fallahi & Ameri, 2015: 82).

۲-۳- مهیا شدن زمینه برای تشدید تحریم‌های اقتصادی ایران

بعد از تحریم‌های تسلیحاتی و تخریب سیاست خارجی ایران در اذهان جهانی، مهم‌ترین دستور کار غرب و آمریکا علیه ایران تشدید تحریم‌های گسترده اقتصادی است. اقتصاد ایران ظرف یک دهه گذشته با بیشترین فشارهای ناشی از تحریم‌های آمریکا روبرو شده است. به ویژه پس از خروج یک‌جانبه آمریکا از برجام تأثیر این فشارها به صورت مضاعف اقتصاد ایران را درگیر خود نمود و اکنون به اذعان اکثر کارشناسان و صاحب‌نظران، تمامی بار فشارهای تحریمی غرب به صورت کامل تحمیل گردیده و نمی‌توان حوزه دیگری را سراغ گرفت که مصون از فشارهای تحریمی بوده باشد. هم‌زمان روسیه نیز پس از تصرف کریمه در سال‌های گذشته با حجم انبوهی از تحریم‌ها مواجه گردید. گرچه فشار تحریمی اعمالی علیه جمهوری اسلامی ایران با فشار بر روسیه هیچ‌گاه قابل مقایسه نبوده و سیاست‌گذاران تحریمی آمریکا از اعمال تحریم‌های به اصطلاح فلج‌کننده بر ضد ایران چه در قطعنامه‌های شورای امنیت و چه در فشارهای حداکثری آمریکا (۲۰۲۰-۲۰۱۶) یاد می‌کردند. بر اساس یک نگاه مقطعی و کوتاه‌مدت همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران با روسیه برای مقابله با این تحریم‌ها و چیره شدن بر نابسامانی‌های اقتصادی در داخل معنا پیدا می‌کند اما بر اساس نگاه استراتژیک و بلندمدت، حل و فصل مشکلات اقتصادی کشور بسیار مشکل است و با پیگیری استراتژی نگاه به شرق می‌توان انتظار بقا داشت اما اقتصاد ایران نخواهد توانست به فن‌آوری پیشرفته، سرمایه‌گذاری قابل توجه خارجی، روابط عادی بانکی و مالی و... دسترسی پیدا کند. بر اساس وضعیت داخلی اقتصاد ایران که در دهه‌های گذشته آسیب‌های زیادی بر اثر وضع تحریم‌های همه‌جانبه و یک‌جانبه دیده است و با بهانه‌های مختلف مورد تحریم واقع شده است تداوم همکاری‌های دفاعی - امنیتی ایران و روسیه می‌تواند زمینه را برای اجماع کشورهای غربی و

پیامدهای همکاری دفاعی - امنیتی ایران و روسیه در بحران اوکراین (۲۰۲۲)

تشدید تحریم‌های اقتصادی بیشتر علیه ایران را هموار سازد. در جدیدترین اقدام شورای اتحادیه اروپا در مارس ۲۰۲۴، از طرف‌های ثالث، از جمله ایران، خواست فوراً ارائه حمایت مادی از جنگ روسیه در اوکراین را متوقف کنند. در آوریل ۲۰۲۴، شورا تعهد خود را به اتخاذ تدابیر محدودکننده بیشتر علیه ایران، به‌ویژه در رابطه با هواپیماهای بدون سرنشین (پهپادها) و موشک‌ها تکرار کرد. در می ۲۰۲۴، شورا دامنه تحریم‌های اتحادیه اروپا را برای حمایت نظامی ایران از جنگ روسیه در اوکراین و حمایت از گروه‌ها و نهادهای مسلح در خاورمیانه و منطقه دریای سرخ گسترش داد. تحریم‌هایی که در حال حاضر بر ۱۲ شخص و ۹ نهاد اعمال می‌شود که شامل مسدود کردن دارایی‌ها، ممنوعیت تأمین منابع مالی یا اقتصادی و ممنوعیت سفر به اتحادیه اروپا است. شورا (اتحادیه اروپا) با توجه به حمایت نظامی ایران از جنگ تجاوزکارانه روسیه علیه اوکراین و گروه‌ها و نهادهای مسلح در خاورمیانه و منطقه دریای سرخ، اقدامات محدودکننده را تا ۲۷ ژوئیه ۲۰۲۵ تمدید کرد. این شورا در بیانیه‌ای اعلام کرد اقدامات محدودکننده موجود به‌طور سالانه بازنگری خواهد شد (-/www.aa.com.tr/en/russia-ukraine-war/eu-extends-sanctions-).on-iran).

۴-۲-۴- شکاف در عرصه داخلی کشور به علت بدبینی افکار عمومی به سیاست روس‌ها

با وجود آن که بیگانه‌هراسی یکی از ویژگی‌ها و مشخصه‌های جامعه ایران معاصر به شمار می‌رود و شاید علت اصلی آن به رابطه استعماری قدرت‌های بزرگ با ایران در طول تاریخ معاصر برمی‌گردد، اما در بین کشورهای با سابقه استعماری می‌توان گفت بدبینی تاریخی در افکار عمومی ایرانیان به روس‌ها وجود دارد (Sadeghi, 2008: 162-164) و با وجود همگرایی‌هایی حاکمیتی دو کشور در طی دهه‌های گذشته، اما این بدبینی نسبت به نقش و عملکرد روس‌ها در لایه‌های میانی جامعه کماکان وجود دارد و در پاره‌ای از موضوعات به یک مسئله حساسیت‌برانگیز اجتماعی - سیاسی نیز تبدیل شده است. همگرایی جمهوری اسلامی ایران و همکاری‌های دفاعی - امنیتی با روسیه پیرامون بحران اوکراین از جمله مسائلی است که توانسته است تا حدودی واکنش‌های منفی غرب‌گرایان در صحنه سیاست و اجتماع در جامعه ایران را برانگیزاند. تصویرسازی منفی از این همکاری‌ها و تعمیق شکاف‌ها در میان جریان‌های فکری و سیاسی داخلی ایران یکی از راهبردهایی

است که توسط نظام‌های غربی از طریق رسانه‌های در اختیار و با تصویرسازی از چهره ایران به‌عنوان بازیگر در اختیار روسیه در طی دو سال گذشته انجام شده است. غربی‌ها برای این تصویرسازی مستندات تاریخی فراوانی در اختیار دارند که در ذهن مردم ایران هک شده است. به‌این ترتیب فضای عمومی جامعه ایران (نه به‌صورت کامل) قرابت چندانی با اهداف و ارزش‌های روسیه احساس نکرده و نسبت به آن سوءظن دارد. در این فضا اتهام غرب به جمهوری اسلامی ایران در خصوص همکاری‌های نظامی و تسلیحاتی با روسیه، موجب گسترش حس بی‌اعتمادی و حتی رواج فضای نفرت و کینه نسبت به برخی سیاست‌های حاکمیتی می‌شود؛ بنابراین با اتهام یاد شده به جمهوری اسلامی، پیامدهای مخرب داخلی نیز ایجاد می‌گردد که مهم‌ترین آن، تشدید شکاف میان جامعه (ی از قبل بدبین به روسیه) و حکومت است. غرب از این پروژه بیشترین سود را می‌برند که جامعه ایرانی را به تقابل با حکومتی فراخوانند که به‌زعم آن‌ها حامی خشونت و یاری‌گر سرکشی پوتین و روس‌هاست؛ و این دقیقاً در راستای تضعیف قدرت و توان بازیگری ایران در عرصه بین‌المللی است. مشارکت در حال گسترش دولت ایران با مسکو در بعد اجتماعی، با واکنش منفی از سوی بخش زیادی از مردم مواجه شده که از لحاظ تاریخی نسبت به نقش روسیه در کشورشان حساس هستند. با توجه به سابقه روسیه تزاری در تصرف بخش‌هایی از خاک ایران، ایرانی‌ها حمله روسیه به اوکراین را تجاوز به تمامیت ارضی و حاکمیت یک کشور مستقل می‌دانند. از این‌رو حمایت از روسیه، می‌تواند بین اولویت‌های دولت - که مطابق با قانون اساسی و هویت دینی خود با هرگونه مداخله خارجی، نقض حاکمیت ملی، بی‌عدالتی و زورگویی در روابط بین‌الملل است و اولویت‌های مردم و نخبگان منتقد، شکاف ایجاد کند (Gallagher et al, 2022).

۴-۲-۵- تأثیر منفی بر تبادلات عملی - فرهنگی دو کشور ایران و اوکراین

در طی دهه‌های اخیر ایران و اوکراین تمایل گسترده‌ای به تعاملات و برنامه‌های علمی و فرهنگی در جهت شناخت بیشتر فرهنگ یک‌دیگر و تعامل در این حوزه داشته‌اند. بر اساس آمارهای در دسترس، در طی دو دهه گذشته همکاری‌های دو کشور در عرصه‌های فرهنگی، علوم انسانی، رسانه‌های ارتباطی، تبادل دانشجویی، شرکت در نمایشگاه‌های محصولات فرهنگی و کتاب به طرز چشمگیری افزایش یافته بود. به‌عنوان مثال سهم اوکراین در بیست چهارمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران که در ماه مه ۲۰۱۱ برگزار شد بالغ بر ۴۵ اثر از انتشاراتی چون آستروپرینت،

پیامدهای همکاری دفاعی - امنیتی ایران و روسیه در بحران اوکراین (۲۰۲۲)

وسلکا، گرانی - تی، کامنیار، کارتوگرافیا، کریون، سویتلینی، یاروسلاویو وال و همچنین مراکز نشر دانشگاه‌های ملی اوکراین (تاراس شفچنکو)، دانشگاه ملی زبانشناسی کی‌یف، مدرسه اروپایی آموزش گزار شگری و ... بود (Mohammadi, 2013: 116-118). رشد روابط فرهنگی دو کشور به گونه‌ای بود که مقامات کشور اوکراین به جهت اهمیت شناساندن ایران به دانش‌آموزان و دانشجویان اوکراینی همکاری و علاقه زیادی در این خصوص نشان داده و آموزش زبان فارسی در اوکراین در سه بخش مدارس، دانشگاه‌ها و مراکز غیرانتفاعی گسترش یافته است (موسسه ایراس، ۱۳۹۲: ۸۴). باید اذعان داشت که اتهام زنی‌های اخیر و مخدوش سازی روابط ایران و اوکراین و معرفی ایران به عنوان یک تهدید برای امنیت و صلح بین‌المللی از سوی اوکراین، تأثیرات نام‌ساعدی را بر تعاملات فرهنگی و از جمله تبادلات علمی دو کشور بر جای نهاده است. به‌عنوان مثال گرچه آمار دقیق تعداد دانشجویان ایران مشغول به تحصیل در اوکراین در دسترس نیست، اما بر اساس تخمین‌های موجود و اعلام رئیس سازمان وقت امور دانشجویان تا اسفندماه ۱۴۰۰ تعداد ۱۴۲۴ دانشجوی ایرانی در اوکراین مشغول به تحصیل بوده‌اند (مصاحبه رئیس سازمان امور دانشجویان با خبرگزاری‌ها قابل دسترسی در خبرگزاری میزان به نشانی اینترنتی <https://www.mizanonline.ir/fa/news/799020>). با شروع جنگ روسیه و اوکراین این دانشجویان مجبور به ترک اوکراین شده و بر اساس اعلام دولت اوکراین با ادعای بهره‌گیری روس‌ها از پهپادها و موشک‌های ایرانی در جنگ، اجازه برگشت به دانشجویان ایرانی برای ادامه تحصیل داده نشده است.

نتیجه‌گیری

پژوهش پیش‌روی با بهره‌گیری از نظریه واقع‌گرایی ساختاری در پی بررسی پیامدهای همکاری دفاعی - امنیتی ایران و روسیه بوده است و در جمع‌بندی این پژوهش می‌توان در قالب گزاره‌های راهبردی موارد زیر را مطرح کرد:

۱- همکاری‌های دفاعی - امنیتی ایران و روسیه مسئله جدید و تازه‌ای به شمار نمی‌آید، بلکه شواهد تاریخی بیانگر آن است که بیش از یک قرن همکاری‌های نظامی ایران و روسیه در سه دوره قاجاریه، پهلوی و جمهوری اسلامی همراه با فراز و نشیب‌های تعاملی و تقابلی همواره

نشریه علمی بحران پژوهی جهان اسلام

در حال رشد بوده و در یک دهه گذشته این همکاری‌ها به اوج خود رسیده است که نمود بارز آن با شروع تحولات سوریه بوده و با تبادلات تسلیحاتی بعد از آن به خصوص در بحران اوکراین تشدید شده است.

۲- همکاری‌های امنیتی- دفاعی ایران و روسیه در چارچوب نظریه واقع‌گرایی ساختاری قابل درک است و آنچه این همکاری‌های دفاعی- امنیتی را برای دو کشور الزامی کرده است مختصات نظام بین‌المللی است که در پی وارد ساختن فشارهای سیاسی- اقتصادی و حتی نظامی به دو کشور یاد شده است و از این جهت واحدهای سیاسی به نام جمهوری اسلامی ایران و فدراسیون روسیه به جهت حفظ بقا در نظام بین‌الملل و مقابله با فشار دولت‌های غربی نیازمند همکاری در حوزه‌های مختلف از جمله در حوزه دفاعی- امنیتی هستند.

۳- مهم‌ترین پیامد مثبت این همکاری بر اساس نظریه مورد نظر همان ارتقاء بازدارندگی ایران و حفظ قدرت فرامرزی برای بقا در ساختار نظام بین‌الملل است که برای جمهوری اسلامی ایران از اولویت بالایی برخوردار است. جمهوری اسلامی ایران بر اساس این نظریه و در ائتلاف با قدرت بزرگی به نام روسیه که دارای ظرفیت‌های سیاسی و نظامی نسبتاً بالایی در ساختار نظام بین‌الملل است سعی می‌کند تهدیدهای احتمالی و بالقوه غرب و به خصوص آمریکا را خنثی نماید.

۴- واقعیت‌های موجود در نظریه واقع‌گرایی ساختاری نشان می‌دهد که کنشگری واحدهای پیرامونی یا نیمه پیرامونی در عرصه مرکز نظام بین‌الملل می‌تواند تبعات سنگین و جریان ناپذیری برای این واحدهای سیاسی به همراه داشته باشد و جمهوری اسلامی هم از این قاعده مستثنا نیست. مهم‌ترین اثر منفی این وضعیت امنیتی سازی ایران به عنوان تهدید برای نظام جهانی است که در کنار روسیه می‌تواند مورد حمله جهانی در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی قرار بگیرد؛ بنابراین جمهوری اسلامی ایران برای کنشگری در عرصه آنارشیک جهانی نیازمند محاسبات دقیق‌تری است که مبادا در جدال قدرت‌های بزرگ مورد معامله قرار بگیرد و قربانی اهداف و منافع آن‌ها گردد.

۵- در خصوص جنگ اوکراین نیز جمهوری اسلامی ایران مورد اتهامات همکاری تسلیحاتی قرار گرفته است. اروپا و آمریکا بیش از هر چیز در پی امنیتی سازی چهره ایران در مجامع

پیامدهای همکاری دفاعی - امنیتی ایران و روسیه در بحران اوکراین (۲۰۲۲)

بین‌المللی و نزد افکار عمومی جهانی هستند. علاوه بر این اتهام مزبور می‌تواند پیامدهای نامساعدی را در عرصه‌های دیگر برای ایران در پی داشته باشد. بر این اساس به نظر می‌رسد نهادهای حاکمیتی به صورت عام و وزارت امور خارجه به عنوان مجری روابط خارجی کشور به صورت خاص، باید مجموعه‌ای از تمهیدات و تدابیر را برای خنثی‌سازی سیاست‌های خصمانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران را در پیش بگیرد که از جمله آن‌ها می‌توان به تلاش برای خنثی‌سازی توطئه غرب در زمینه ارائه یک چهره ضد امنیتی و ناقض صلح و امنیت بین‌المللی، از طریق دیپلماسی رسمی (گشودن باب مذاکره و گفتگو با اتحادیه و کشورهای اروپایی و ابهام‌زدایی بر اساس اصل حسن نیت) و دیپلماسی عمومی (به معنای ارتباط‌گیری با افکار عمومی بین‌المللی و روشنگری پیرامون اتهامات اثبات نشده)، عمل متقابل علیه دولت غرب‌گرای اوکراین با استفاده از توانایی‌های رسانه‌ای و به چالش کشیدن اتهامات اخیر آن بر ضد جمهوری اسلامی و پیگیری حقوقی ادعاهای اثبات نشده، به کارگیری ابزارهای اقناع‌آمیز و روشنگرانه در سطح داخل برای تنویر افکار عمومی در راستای تبیین سیاست‌های حکومت در قبال روسیه و جنگ اوکراین و... اشاره کرد.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله پیش‌رو فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

Translated References to English

- Abdollahkhani, A. (2019). *Theories of Security*. Tehran, Abrar Contemporary Cultural Institute of International Studies and Research, Tehran, 6th edition. [In Persian]
- Ahmadi, H. (1998). Structuralism in International Relations Theory: From Wallerstein to Waltz. *Journal of Faculty of Law and Political Science*, No. (37). [In Persian]
- Alamdari, I., Kolayi, E. (2022). geopolitical analysis of Iran-Russia relations after the Islamic revolution with emphasis on Morgenthau's power theory. *Political Geography Quarterly*, 7(1)165-140. [In Persian]
- Asadi, B., Monavari, S.A. (2021). Investigation of Iran-Russia Relations in the New Century: Strategic Alliance or Convergence of Interests. *Political and International Approaches Journal*, 12(4). [In Persian]
- Bigdeli, M.R., Dehghani Firouzabadi, S.J., Barzegar, K. (2023). Comparison of the approach of three generations of realism paradigm towards the international system. *International Relations Research Quarterly*, 13(48). [In Persian]
- Deheshyar, H. (2014). The origins of the confrontation between America and Russia in the Ukraine crisis. *World Politics Quarterly*, 3(2). [In Persian]

- Dehghani Firouzabadi, S.J. (2014). *Theory and meta-theory*. Tehran, Samt Publications. [In Persian]
- Divsalar, M., Khan-Mohammadi, A.A. (2014). The Security Impact of NATO's Geographical Expansion on the National Security and Defense Functions of the Islamic Republic of Iran. *Military Sciences and Techniques Quarterly*, 11(31). [In Persian]
- EU extends sanctions on Iran over its “support” to Russia’s war in Ukraine, armed groups Mideast, Red Sea <https://www.aa.com.tr/en/russia-ukraine-war/eu-extends-sanctions-on-iran-over-its-support-to-russia-s-war-in-ukraine-armed-groups-in-mideast-red-sea/3276000>
- Fallahi, E., Ameri, A. (2015). the roots of the crisis in Ukraine and its impact on the national interests of J.A. Iran. *International Relations Studies Quarterly*, 9(34), 65-92. [In Persian]
- Fathi, F. (2019). criticism of structural realism with a focus on foreign policy and structural realism. *New Approaches in Islamic Studies Quarterly*, (4). [In Persian]
- Gallagher, N., Mohseni, E., Ramsay, C. (2022). Iranian Public Opinion on the War in Ukraine and Nuclear Options. *Center for International & Security Studies at Maryland*. Available at: <https://cisss.umd.edu/research-impact/publications/iranian-publicopinion-war-ukraine-and-nuclear-options>.
- Ghasemi, F. (2013). *Principles of International Relations*. Tehran, Mizan Legal Foundation Publications. [In Persian]
- Holmquist, E., Khan, I. (2024). Isolated together Russian-Iranian Military Cooperation, Swedish Defence Research Agency www.foi.se SE-164 90 Stockholm.
- Hoshang Mahdavi, A. (1994). *Iran's foreign policy during the Pahlavi era*. Tehran, Alborz Publishing. [In Persian]
- Hurrell, A. (2007). One world? Many Worlds? The Place of Regions in the Study of International Society. *International Affairs*, 83:1.
- Iras Institute. (2012). *Ukrainian Society and Culture*. Tehran, Organization of Islamic Culture and Communication. [In Persian]
- Jamal Zadeh, M.A. (1993). *History of Iranian-Russian Relations*. Tehran, Dr. Mahmoud Afshar Endowment Foundation. [In Persian]
- John J.M. (2014). Why the Ukraine Crisis Is the West’s Fault. *The Foreign Affairs, Published on August 18*.
- Justin Bronk, N.R., Jack, W. (2022). The Russian Air War and Ukrainian Requirements for Air Defence. *Royal United Services Institute*. 2022-11-07, 32–33, The Russian Air War and Ukrainian Requirements for Air Defence | Royal United Services Institute (rusi.org).
- Katz, M.N. (2012). Russia and Iran. *Middle East Policy*, Vol. XIX, No. 3, pp.54-64.
- Khosrow, S., Ezzati, E. (2017). The effect of military cooperation between Iran and Russia on Iran's regional geopolitical developments. *New Perspectives in Human Geography Quarterly*, 10(3), 75-90 [In Persian]
- Khosrow, S., Sarwar, R., Ezzati, E. (2019). The effect of Iran-Russia defense cooperation on the geopolitical strategy of Iranian energy (with a focus on oil and gas). *Strategic Defense Studies Journal*, 18(79). [In Persian]
- Klympush, I. (2015). Ukraine and Russia: Strategic Partnership vs. Mutual. Dependence. Available at: http://www.css.ethz.ch/publications/pdfs/Studien_zu_ZS-2.pdf, (Accessed on: 14/8/2015).
- Kolayi, E., Abedi, A. (2016). The Ups and Downs of Iran-Russia Relations (1990-2016). *International Relations Research Quarterly*, (4). [In Persian]
- Kolayi, E., Zanganeh, S. (2023). The effect of the war in Ukraine on the relations between Iran and Russia. *Quarterly Journal of Political and International Approaches*, 15(2).

- Kozhanov, N. (2015). Understanding the Revitalization of Russian-Iranian Relations. available at: <http://carnegieendowment.org/files>.
- Maleki, A. (2009). The Evolution of Iran-Russia Relations. *Strategic Studies Journal*, 3(9). [In Persian]
- Mohammadi, N. (2013). *the book of Ukraine, Geographical Organization of Armed Forces*. Tehran, Sabz Publishing. [In Persian]
- Mohammadkhani, A. (2008). Explaining the approach of neo-realism in international relations. *Political Studies*, 1(3). [In Persian]
- Moshir Zadeh, H. (2011). *Evolution in International Relations Theories*. Tehran, Samit Publications. [In Persian]
- Mousavi, S.R. (2017). *military relations between Iran and Russia*. Foreign Relations Quarterly, 19(74). [In Persian]
- Nonejad, M., Karmi, M. (2017). the confrontation between Russia and America in Ukraine and its impact on Iran's national interests. *International Relations Studies Quarterly*, 11(41) 145-175. [In Persian]
- Nouri Asl, A. (2022). the role of Martyr Soleimani in Russia's entry into the Syrian crisis, *bi-monthly American Journalist*, (17), 138. [In Persian]
- Parker, J.W. (2019). Between Russia and Iran: Room to Pursue American Interests in Syria by, National Defense University Press. *Institute for National Strategic Studies*, No. 27
- Pasandideh, S. (2014). Security Cooperation between Iran and Russia: Fields and Prospects. *Strategic Studies*, 1(63). [In Persian]
- Rumi, F., Al-Sayed Ghafoor, S.M. (2023) Foreign Policy Approach of the Islamic Republic of Iran in Ukraine War, Achievements and Challenges. *International Relations Research Quarterly*, 13(3).
- Sadeghi, S.S. (2008). an introduction to the causes of xenophobia and xenophobia in contemporary Iranian political culture. *Journal of Political Science*, 4(16). [In Persian]
- Salehi, H., Sajjadi, M.S. (2022). Foreign Policy Positions and Strategy of the Islamic Republic of Iran in the Ukraine Crisis (February 24, 2022). *Crisis and Emergency Management Quarterly*, 14(3). [In Persian]
- Seifzadeh, S.H. (2012). *theorizing in international relations; Fundamentals and intellectual forms*. Tehran, Samit Publications, third edition. [In Persian]
- Shaw, M., Timothy, C., Andrew, F., Antkiewicz, A. (2007). Globaland/or Regional Development at the Start of the 21st Century? China, India and (South) Africa. *Third World Quarterly*, 28:7.